

واکاوی معنایی کودک کار از دیدگاه کارشناسان اجتماعی در کلان شهر شیراز

علی‌یار احمدی^۱، اصغر میرفردی^۲، توکل آقاییاری هیر^۳، عبدالطیف کاروانی^۴، مریم‌السادات دلاور^۵،

فاطمه گراوند^۶، ایلناز امیری^۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی دیدگاه کارشناسان ذی‌ربط و مواجهه آن‌ها با کودکان کار در شهر شیراز پرداخته است و در آن از روش تحقیق نظریه زمینه‌ای استفاده شد. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق به‌دست آمده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده گردید. از فرایند کدگذاری، ده مقوله محوری و یک مقوله هسته استخراج گردید. مقوله هسته تحت عنوان «بخشی‌نگری و انفعال نهادی» تدوین گردید. نتایج این پژوهش نشان داد شرایط علی مثل «ناسازواری و آشفتگی نهادی و مدیریتی»، «تنوع چشم‌انداز به پدیده کودک کار و سازمان‌های مردم‌نهاد» و «بی‌تفاوتی نسبت به کودک کار» موجب بروز و ظهور این پدیده شده است. از جمله شرایط مداخله‌گر می‌توان به «بازنمایی منفی و فعالیت‌های متعارض رسانه‌ای»، «بازدارندگی برخی از قواعد و قوانین داخلی و بین‌المللی» و «کودک کار اتباع و مشکل شناسایی و هویتی» اشاره کرد. پدیده کودک کار در شرایط و بستر ویژه و خاصی قرار دارد که از جمله این شرایط و بستر می‌توان به «فشار خانوادگی و شروع فرایند کار در کودکی»، «کودک کار به‌مثابه صنعت درآمدزا»، «کودک کار به سان منبع تأمین نیاز مالی خانواده» و «مهاجرپذیر بودن شیراز» اشاره کرد. نوع مواجهه با کودک کار موجب بروز پیامدهایی چون «افزایش بی‌رویه کودکان کار اتباع»، «عدم مهار و کنترل مسئله کودکان کار»، «عدم ساماندهی و حمایت اجتماعی مطلوب کودکان کار»، «ناشناس بودن کودکان کار» و «ترغیب و تشویق اتباع» برای مهاجرت به شیراز شده است. نتیجه این‌که ناهماهنگی‌های بین بخشی و بی‌توجهی به ضرورت‌های فعالیت نهادین، زمینه‌ساز گسترش پدیده کودک کار می‌شود.

واژگان کلیدی: کودکان کار، کودکان اتباع، انفعال نهادی، بخشی‌نگری، شهر شیراز

۱ دانشیار جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز، (نویسنده مسئول) ahmadi.aliyar@gmail.com

۲ عضو هیئت علمی، دانشگاه شیراز، amirfardi@shirazu.ac.ir

۳ دانشیار دانشگاه تبریز، aghayarih@yahoo.com

۴ دانش‌آموخته دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، abdollatifkarevani@yahoo.com

۵ دانش‌آموخته دکتری دانشگاه شیراز، m_dlv@yahoo.com

۶ دانشجوی دکتری، دانشگاه شیراز، fgsociology2015@gmail.com

۷ دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، ilnazamiri@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

در سراسر جهان به ویژه در کشورهایی که به توسعه اجتماعی و اقتصادی همه‌جانبه دست یافته‌اند، بخش بزرگی از منابع مادی و معنوی برای حل مسائل کودکان و حمایت‌های روانی و جسمی از آنان به کار می‌رود، اما واقعیت این است که بسیاری از کارشناسان و دولت‌های جهان بر این باورند که پدیده کودکان کار بزرگ‌ترین مشکل جوامع در آینده نزدیک خواهد بود (سلیمانی و حاجیانی، ۱۳۹۲: ۵۴). آمارها درباره تعداد کودکان کار در جهان دقیق و روشن نیست. بر اساس گزارش جدید سازمان بین‌المللی کار تعداد کودکان کار^۱ در سال ۲۰۲۲ در سراسر جهان به ۱۶۰ میلیون نفر می‌رسد که افزایش نزدیک به ۹ میلیون نفر را در چهار سال گذشته نشان می‌دهد (یونیسف^۲ ۲۰۲۲).

طبق کنوانسیون حقوق کودک که در سال ۱۳۷۲ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید؛ منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است مگر این‌که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود^۳؛ اما در قوانین داخلی کشورمان تعریف خاصی برای تمایز کودکان از بزرگسالان انجام نشده است و تنها معیار تمایز را سن بلوغ دانسته‌اند و در ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است^۴. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان سن اطفال و نوجوانان به این صورت مشخص شده است. طفل: هر فردی که به سن بلوغ شرعی نرسیده و نوجوان: هر فرد زیر هیجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است^۵. همچنین طبق نسخه اصلاحی سال ۱۳۹۲ قانون مجازات اسلامی اصلاح شده در سال ۱۳۹۲، گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال به عنوان کودک در نظر گرفته می‌شوند (صبوری پور و علوی صدر، ۱۳۹۴: ۱۸۲).

ایران با رقم ۹۷۹/۴۰۰ هزار نفر مهاجر افغانی و عراقی جایگاه چهارم را در میان کشورهای جهان از نظر پذیرش مهاجران جنگی دارد؛ بخش زیادی از این مهاجران را کودکان تشکیل می‌دهد که بنا بر شرایط وضعیت اجتماعی و خانوادگی مجبور به کار در سن کودکی هستند. بر این اساس، می‌توان گفت که بر مبنای تفاوت‌های میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

1. ILO

2. UNICEF

3. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92374>4. <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/845048>5. <https://www.rk.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=22060>

از نظر کودکان کار و وجود کودکان کار در ایران با توجه به داده‌های آماری موجود انجام مطالعات محلی دقیق و جزئی و مبتنی بر «فهم واقعیات موجود در بافت جامعه» لازم و ضروری است. به بیان دیگر، این پدیده، برخلاف شمولیت و عمومیت، دارای ویژگی‌های خاص در هر جامعه است؛ که از یک سو، وجود ریشه‌های فرهنگی در این زمینه را در کنار عوامل اجتماعی و اقتصادی نمایان می‌سازد و از سوی دیگر، اهمیت انجام مطالعات مختلف در این حوزه را دو چندان می‌کند (اسدپور و اعظم زاده، ۱۳۹۹: ۱۹۰).

تعداد کودکان کار برای نخستین بار در ۲۰ سال گذشته در جهان افزایش یافته است. براساس گزارش سازمان بین‌المللی کار و یونیسف، یک نفر از هر ۱۰ کودک ۱۷-۵ ساله در جهان - مشغول به کار هست. بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰، تعداد جهانی کودکان کار ۱۲ تا ۱۷ ساله کاهش مطلق و نسبی داشت، اما تعداد کودکان کار ۵ تا ۱۱ ساله افزایش یافته است^۱. بر این اساس می‌توان گفت که پدیده کودکان کار صرف نظر از آمار و تعداد آن‌ها، خود یک مسئله اجتماعی مهم و در خور توجه در جامعه است که آثار و تبعات اجتماعی متعددی را به دنبال دارد؛ این کودکان کار و خیابان از محروم‌ترین کودکان هستند که از بیشترین حقوق اساسی خود بی‌بهره‌اند؛ این گروه به علت شرایط زندگی خاصی که دارند، منشأ بسیاری از رفتارها نامطلوب و پر خطر در جامعه هستند که نه تنها به خود کودک آسیب جدی می‌رساند، بلکه سلامت جامعه و افراد دیگر را نیز به مخاطره می‌اندازند. با وجود این؛ بروز و ظهور این پدیده در شهر شیراز از شرایط خاصی برخوردار می‌باشد. پدیده کودکان کار در شیراز نیز به عنوان یکی از معضلات شهری به حساب می‌آید که به دلیل تعداد زیاد کودکان کار اتباع به خصوص اتباع افغانی نیازمند سازمان‌دهی و مدیریت ویژه است. علی‌رغم نبود آمار رسمی در مورد تعداد کودکان کار اتباع افغانی در شهر شیراز، آمارهای سازمان بهزیستی و مشاهدات میدانی پژوهشگران حاکی از آن است که بیش از ۸۰ درصد کودکان کار در شهر شیراز را کودکان کار اتباع افغانی تشکیل می‌دهند. بسیاری از این کودکان کار و خانواده‌هایشان از مجوزهای قانونی ورود به کشور هم برخوردار نمی‌باشند. این پدیده و این مسئله با توجه به چند بعدی بودن و عدم وجود شناخت کافی نیاز به واکاوی بیشتری دارد. ناشناخته بودن و عدم وجود اطلاعات دقیق در مورد این پدیده، مدیریت و برنامه‌ریزی در مورد آن و نحوه مواجهه با آن را بسیار

1. <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3793829>

مشکل کرده است. بر همین اساس در این پژوهش به واکاوی دیدگاه کارشناسان مرتبط با کودکان کار در شهر شیراز پرداخته می‌شود و سعی می‌شود از دیدگاه این کارشناسان این پدیده مورد بررسی قرار گیرد و علت ظهور و بروز این پدیده و نحوه مواجهه با آن در شهر شیراز مورد مطالعه قرار گیرد. بر این اساس سؤالات پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

- کودکان کار در شهر شیراز در چه شرایطی قرار دارند؟
- کارشناسان اجتماعی چه درکی از کودکان کار دارند و در نظام معنایی خود چگونه پدیده کودک کار را تعریف می‌کنند؟
- از نظر کارشناسان اجتماعی چه فرایندهایی در تمایل به کار کودکان دخیل هستند؟
- چه شرایط و نیروهای بر نظام معنایی کارشناسان اجتماعی در ارزیابی پدیده کودک کار پیوند دارند؟
- شرایط علی، مداخله‌ای منجر به ظهور پدیده مرکزی کدامند؟
- مشارکت‌کنندگان چه کنش و واکنشی نسبت به پدیده مرکزی دارند؟
- پاسخ‌های مختلف چه پیامدهایی برای کودکان کار و جامعه دارد؟

ملاحظات تجربی

تأمل در موضوع کودکان کار نشان می‌دهد که در اجتماع علمی نسبت به این موضوع و این مسئله حساسیت مطلوبی وجود دارد و جنبه‌های مختلف این پدیده و عوامل اصلی ظهور و بروز این پدیده مورد مطالعه قرار گرفته است. سعدآبادی و فهری (۱۳۹۹)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که فقر عامل اصلی بروز و شیوع پدیده کودک کار است که عوامل ساختاری یا مسائل مرتبط با دولت و قانون‌گذاری با بیشترین اثرگذاری در حل مسائل کودکان خیابانی، می‌تواند منجر به کاهش فقر گردد. عوامل محتوایی در درجه دوم اهمیت قرار دارند. در فراتحلیلی که توسط اسدپور و اعظم زاده (۱۳۹۹) در مورد کودکان کار انجام شده است به این نتایج دست پیدا کردند که متغیرهای سطح تحصیلات و اعتیاد به مواد مخدر والدین به ترتیب با اندازه اثرات ترکیبی معادل ۰/۶۱۴ و ۰/۵۴۱ در حد متوسط بر میزان کار کودکان و خیابانی شدن آن‌ها اثرگذار بوده‌اند. برخی از پژوهش به ارائه مدل‌های برای مدیریت مسئله و پدیده کودکان کار پرداخته‌اند.

برخی از پژوهش به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد و مؤسسات غیردولتی و نقش آن‌ها در توانمندسازی کودکان کار پرداخته‌اند. یکی از پژوهش‌های انجام شده در کشورمان در مورد سازمان‌های مردن نهاد در موضوع کودکان کار، پژوهش پیرخندان و عادلین (۱۳۹۹) می‌باشد. یافته‌ها به شیوه تحلیل تماتیک مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سه تم اصلی در این پژوهش به دست آمد: الف) یاوری دانش‌بنیاد، ب) نظام تنظیم‌گری مشارکتی ج) بهره‌وری خردگرا از ظرفیت‌های جامعه. پژوهش کیفی دیگر توسط ایمان زاده و سریه (۱۳۹۸) انجام شده است، پژوهش یاد شده در مورد تجزیه زیسته کودکان کار از احساس تنهایی بوده است. یافته‌های تجربه‌های کودکان کار از احساس تنهایی منجر به کشف چهار مضمون اصلی «احساسات ادراک شده»، «انواع احساس تنهایی»، «پیامدهای احساس تنهایی» و «راه‌های غلبه بر احساس تنهایی» شد. کودکان کار در معرض انواع احساس تنهایی‌ها و به ویژه تنهایی وجودی قرار دارند. همچنین در زندگی خود احساس بی‌معنایی، ناامیدی و رهاشدگی دارند.

در پژوهش کیفی و روایت پژوهی که توسط فولادیان و همکاران (۱۳۹۵)، انجام شده است به این نتیجه دست پیدا کردند که فقر اقتصادی در کنار اعتیاد موجود در خانواده موجب استفاده از کودک به عنوان نیروی کار می‌شود. همچنین به این نتیجه رسیدند که کودکان در خانواده‌هایی که خرده‌فرهنگ کار کردن در آن‌ها وجود دارد، در این‌گونه خانواده‌ها، کار کردن از کودکی در فرد نهادینه می‌شود و کودک به دلیل کسب مطلوبیت در خانواده به کار کردن روی می‌آورد. نتایج پژوهش شکوری (۱۳۹۳) نشان داد که بیشتر پاسخ‌گویان اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد در امر توانمندسازی کودکان کار را مهم تلقی کردند. همچنین بیان داشتند که این اقدامات در توانمندی کودکان مؤثر بوده است که در غیاب آن‌ها وضعیت کودکان به مراتب بدتر می‌شده است. بر این اساس به این نتیجه رسیدند که حضور مؤثر و کارآمد سازمان‌های مردم‌نهاد برای تغییر وضعیت کودکان در وضعیت دشوار بخشی از ضرورت‌هاست. با این حال، تأکید می‌کنند نحوه صحیح و مناسب خدمات‌رسانی به گروه‌های هدف و داشتن نگاهی سیستمی و جامع به موضوع مهم است.

سلیمانی و حاجیانی (۱۳۹۲) پژوهشی در این مورد انجام داده‌اند. نتایج پژوهش یاد شده نشان داد که یافته‌ها که برنامه‌ریزی و نظارت به عنوان مهم‌ترین مؤلفه و پس از آن واگذاری به سازمان‌های مردم‌نهاد قرار دارند و بر این اساس مدل پیشنهادی خود را ارائه داده‌اند و مدل

تقسیم‌کار پیشنهادی بر پایه الگوی جامع مدیریت استراتژیک و رویکرد ماتریسی طراحی شده و شامل سه مرحله اصلی سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت و کنترل می‌باشد که مأموریت و وظایف هر یک از سازمان‌ها در هر یک از این مراحل مشخص شده است.

یکی از اولین پژوهش‌ها با موضوع کودکان کار که توسط حسینی (۱۳۸۴)، انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که عواملی چون نارسایی نهادهای اجتماعی‌کننده‌ای مثل خانواده و مدرسه، فقر اقتصادی خانواده‌های کودکان خیابانی و ناتوانی آن‌ها در انطباق با شیوه‌های زندگی شهرهای بزرگ، آلودگی و آسیب‌زا بودن محلات حاشیه شهری، فقدان نظارت کافی از سوی سازمان‌های مسئول و الگوهای نادرست کنش متقابل بین شهروندان و کودکان خیابانی، همه دست‌به‌دست هم داده‌اند تا پدیده کودکان خیابانی (که عمدتاً کودکان کار در خیابان هستند)، کماکان به‌عنوان مشکلی صعب‌العبور در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور خودنمایی کند.

جیجون^۱ (۲۰۲۰)، پژوهش در بین کودکان کار در بولیوی و اکوادور انجام داده و به این نتیجه دست پیدا کرد که کودکان کار خود را افرادی نمی‌دانند که نیاز به مراقبت دارند (از نظر سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان بین‌المللی کار) یا به‌عنوان یک گروه فرهنگی که نیاز به شناسایی دارند (همانند جنبش‌های کودکان کار). در عوض، کودکان خود را به‌عنوان اعضای از نظر اخلاقی راستگو در شبکه‌های صمیمی توصیف می‌کنند. نتایج بوکویو^۲ (۲۰۱۵) در نیجریه نشان داد که بی‌خانمانی فقر و طرد توسط خانواده خشن، بدترین پیامدهای تکدی‌گری در کودکی هستند. همچنین این پژوهش نشان داد که مهم‌ترین نیازهای اقتصادی/ روانی پاسخ‌دهندگان پول، یادگیری معامله، بهداشت و درمان و محل اقامت بودند. نتایج پژوهش مختار و رادر^۳ (۲۰۱۴)، در هند در مورد کودکان کار و مسائل و نگرانی کار در کودکی نشان داد که اصلی‌ترین کار کودکان در هند مشاغلی مانند سیگارفروشی، کف‌زنی، کارهای ساختمانی و ریسندگی و بافندگی بوده است. نتایج کلی پژوهش یاد شده نشان داد که برنامه‌ها و فعالیت‌های نهاد ملی سیاست‌گذاری کار کودکان در راستای جلوگیری از اشتغال کودکان در مشاغل خطرناک موفقیت‌آمیز نبوده است. باهات^۴ (۲۰۱۳) کار اجباری کودکان را در صنعت پنبه‌سازی ازبکستان مورد مطالعه قرار داده است. نتایج پژوهش یاد شده نشان داد که کمبود نیروی انسانی

1. Jijon
2. Bukoye
3. Mukhtar & Rather
4. Bhat

متخصص، تکنولوژی‌های پیشرفته و نیازهای بازار سبب شده است که در ازبکستان از کودکان به عنوان نیروی کار استفاده شود. جابر^۱ و همکاران (۲۰۱۳)، در مطالعه خود نشان دادند که سطح بالای ویژگی‌های جمعیت شناختی، سواد، اشتغال، امکانات زیربنایی در میان متکدیان و کودکان کار روستایی در بخش‌های پیرامونی این ناحیه مشاهده شده در حالی که سطح بالای درآمد سرانه در بخش مرکزی ناحیه مورد پژوهش مشخص گردید. هر چند تحلیل کلی این واقعیت را نشان می‌دهد که بخش‌های پیرامونی این ناحیه توسعه یافته تر از بخش‌های مرکزی آن هستند.

در جمع‌بندی مطالعات در مورد کودکان کار، می‌توان گفت که مطالعات معدودی در مورد کودکان و فرایند کار در کودکی در شهر شیراز انجام شده است و با توجه به آمارهای سازمان بهزیستی و مشاهدات میدانی محقق و همکاران در شهر شیراز می‌توان گفت که اکثریت این کودکان کار از کودکان اتباع افغانی می‌باشند، نیز مطالعه در مورد فرایند کار کودکی در بین کودکان اتباع افغانی هم انجام نشده است. پس این خلاء مطالعاتی زمانی برجسته‌تر می‌شود که بیشتر کودکان کار در شهر شیراز را کودکان کار اتباع افغانی تشکیل می‌دهد، اما مطالعات اندکی در این مورد انجام شده است و به صورت منسجم این موضوع و مسئله مورد واکاوی قرار نگرفته است. یکی دیگر از وجوه متمایز این پژوهش جامعه آماری آن یعنی کارشناسان اجتماعی مداخله‌گر در این موضوع می‌باشند و واکاوی دیدگاه آن‌ها می‌تواند بسیار مثمرتر باشد و موجب سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مطلوب‌تر و ارائه پیشنهادها کاربردی شود. کارشناسان مربوطه اعم از نهادهای دولتی و غیردولتی چشم‌انداز و نگاهی متفاوتی به این پدیده و مسئله دارند و دیدگاه این افراد در نحوه مواجهه با کودکان کار و ساماندهی این گروه و کنترل این مسئله اجتماعی بسیار تأثیرگذار می‌باشد. تأمل در مطالعات انجام شده در این مورد نیز نشانگر آن است که دیدگاه این کارشناسان نیز مورد واکاوی و مورد مطالعه قرار نگرفته است.

حساسیت نظری پژوهش

گلایزر و اشتراوس^۲ معتقدند که یک محقق باید از لحاظ نظری چندان حساس باشد که بتواند نظریه‌ای که از داده‌ها بیرون می‌آید را مفهوم بندی و ترکیب کند. حساسیت نظری^۳ در رشد دائمی است و هنگامی که جامعه‌شناس به صورت تئوریک می‌اندیشد و نظریه‌های زیادی را

1. Jaber

2. Glaser & Strauss

3. Theoretical sensitivity

موردتوجه قرار می‌دهد، شکل می‌گیرد (اشتراوس و کوربین^۱، ۱۳۹۱). حساسیت نظری از خلال تجربه حرفه‌ای، مطالعه متون، تجربه شخصی و روند تحلیل داده حاصل می‌شود. حساسیت نظری از آن جهت مهم است که اساساً پژوهش کیفی و نظریه زمینه‌ای در پی معنا دادن به داده‌ها هستند. حساسیت نظری یعنی توانایی پژوهشگر که او را قادر می‌کند به تغییرات و نکات ظریف در داده واکنش نشان دهد (ایمان، ۱۳۹۱). اشتراوس و کوربین معتقدند نظریه‌ها و مبانی تجربی که در ذهن داریم به شیوه‌های مختلفی بر تحقیق ما اثر می‌گذارند و برای تحلیل داده‌ها نیاز به استفاده از دانش انباشته داریم و نباید آن را به‌طورکلی کنار گذاریم. دانش انباشته در زمینه موضوع مورد بررسی می‌تواند به‌عنوان ابزار تحلیلی به کار رود و منابع غنی برای تحریک تفکر پیرامون خصیصه‌ها و طرح سؤالات مفهومی باشد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۱). با توجه به این موضوع و برای ارتقای حساسیت نظری، سعی شده است نظریه‌های که ارتباط بیشتری با موضوع کودکان کار دارند، به صورت خلاصه توضیح داده شوند.

برحسب نظریه کاستلز^۲، یکی از تأثیرات منفی تجدید ساختار سرمایه‌داری جهانی و شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای، پیدایش فزاینده تمایز و حذف اجتماعی و سیاه‌چاله‌های جهان چهارم در مقیاس جهانی، کشوری، منطقه‌ای و محله‌ای است. از نظر کاستلز جهان چهارم از دل سیاه‌چاله‌های متعدد حذف اجتماعی در سرتاسر جهان پدیدار شده است. جهان چهارم مناطق وسیعی از کره زمین مانند کشورهای آفریقایی زیر خط صحرا و مناطق فقربازده آمریکای لاتین و آسیا را شامل می‌شود؛ اما این جهان را تقریباً در هر کشور و در هر شهر در این جغرافیای حذف اجتماعی نیز می‌توان دید. کارکرد سیاه‌چاله‌های جهان چهارم این است که حاشیه‌رانده‌ها را در خود جلب می‌کند و در عین حال به بازتولید حذف اجتماعی کمک می‌کند؛ بنابراین تحولات نهادی که در جریان تجدید ساختار اقتصادی جهانی در حوزه اقتصاد سیاسی جوامع امروزی رخ داده است باعث شکل‌گیری فرایند حذف اجتماعی شده که مبتنی بر روابط قدرت و استثمار است و در سطوح میانی و خرد بر حسب متغیرهای اجتماعی مانند جنسیت، سن به گونه متفاوت عمل می‌کند به نحوی که در اثر این فرایند، ضعیف‌ترین گروه‌ها به لحاظ سن و جنسیت دچار استثمار و حذف‌شدگان مضاعف می‌شوند که مصداق چنین امری کار کودکان و استثمار و بهره‌کشی از آن‌ها در اشکال مختلف است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۷۸)

1. Corbin
2. Castells

به نظر کاستلز گسترش همزمان فقر و جهانی شدن فعالیت‌های اقتصادی باعث گسترش کار کودکان شده است. بحران‌های اقتصادی معیشتی و فقیر شدن بخش‌های بزرگی از جمعیت، خانواده‌ها و کودکان آن‌ها را وا می‌دارد تا برای بقای خود به فعالیتی روی بیاورند در این شرایط دیگر مجالی برای تحصیل نیست، خانواده بیشتر به نان‌آورانی نیاز دارد و این نیاز کاملاً فوری است. خانواده‌ها از سر ناچاری فرزندان را به کار اجباری وا می‌دارند و یا آن‌ها را روانه خیابان می‌کنند. هر چه تعداد فرزندان بیشتر باشد، تعداد کسانی که باید به جای مدرسه به کار پردازند بیشتر می‌شود. با وجود این مطالعات نشان می‌دهد که تأثیر بزرگی خانواده بر کار کودکان به طور چشمگیری در کشورها و یا مناطقی که سیاست رفاه اجتماعی پیشرفته‌تری دارند کاهش یافته است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۹۳-۱۷۸)

براساس نظریه فرهنگ فقر اسکار لوئیس^۱ بسیاری از افراد فقیر، فاقد نیروی روانی کافی برای بیرون کشیدن خود از فقر هستند و در نتیجه آن‌ها قادر نیستند از کمک‌های اقتصادی برنامه کمک درآمد برای بهبود وضعیت خویش سود جویند. نظریه فرهنگ فقر با رویکرد روان‌شناختی اجتماعی و با این پیش فرض آغاز نموده است که فرهنگ فقر شیوه زندگی است که دارای ابعاد روانی، اجتماعی نظیر گوشه‌نشینی و انزوا و عدم حمایت‌های خانواده از افراد آن است (احمدی و ایمان، ۱۳۸۴: ۱۰۵). اسکار لوئیس نظریه‌پرداز «فرهنگ فقر» معتقد است که فرهنگ فقر محدود و وابسته به تقسیم‌بندی‌های منطقه‌ای و اختلاف شهر و روستا و ویژگی‌های ملی نیست. فرهنگ فقر می‌تواند در موقعیت‌های تاریخی گوناگون به وجود آید. فرهنگ فقر روشی از زندگی است که در نتیجه به‌سربردن در چنان شرایط تاریخی گوناگون برای مردمان فقیر حاصل می‌شود. بهترین جا برای مطالعه این زندگی محله‌های فقیرنشین روستایی یا شهر است. فرهنگ یا روش زندگی ناشی از این شرایط را می‌توان براساس دست کم هفتاد ویژگی اجتماعی، اقتصادی و روانی که باهم ارتباط متقابل دارند، تشریح نمود؛ اما البته شمار این ویژگی‌ها و شکل ارتباط آن‌ها با یکدیگر ممکن است در جوامع با خانواده‌های گوناگون باهم یکسان و همانند نباشد. مثلاً، در جامعه‌ای که شمار باسوادان و سطح سواد بالاست، بی‌سوادی بیشتر می‌تواند معرف فرهنگ فقر باشد تا در جامعه‌ای که بی‌سوادی در آن همه‌گیر است و چه بسا توانگران آن نیز بی‌سواد باشند (لوئیس، ۱۳۵۳: ۱۲۵-۱۲۶).

1. Oscar Lewis

نظریه انتخاب عقلانی^۱ براساس گزارش‌های تجربی بسیاری از محققان از جمله اپتکار^۲ (۱۹۹۴) در رابطه با کودکان کار و خیابانی شکل گرفته است و بر کیفیت عقلانی و انطباق زندگی آنان تأکید دارد. در این نظریه روی آوردن کودکان به کار در خیابان و شروع کار در سن کودکی، در چارچوب پاداش‌هایش برای کودکان قابل فهم است. روی آوردن به خیابان برای برآورده کردن نیازهای خاصی از کودک سودمند است و این عمل نوعی سازگاری عقلایی با زمینه خاصی از محیط کودک، شرایط و تجربیات گذشته او و شرایط قابل دسترسی برای کنش اوست (نیازی، ۱۳۸۷: ۴۶). چشم‌انداز انتخاب عقلایی این مسئله را به صورت واکنش کودکان به شرایط عملی صورت‌بندی می‌نماید. از این چشم‌انداز، بسیاری از جنبه‌های زندگی کودکان در خیابان مانند دوستی با دیگر کودکان و بزرگسالان خیابانی و استعمال مخدرات و مشروبات امری آسیب‌شناختی و انحرافی ارزیابی نمی‌شود، بلکه به عنوان راهبردهایی برای سازگاری با شرایط دشوار محسوب می‌گردد. این رهیافت امکان بررسی مجدد نقش خانواده در زندگی کودکان و به وجود آوردن مداخله‌های موثرتر در خانواده را فراهم می‌سازد (اسدپور و اعظم‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۹۷-۱۹۶).

در جمع‌بندی از نظریات فوق می‌توان گفت که کاستلز یکی از پیامدهای گسترش جامعه شبکه‌ای را ایجاد سیاه‌چاله می‌داند و اعتقاد دارد که این موضوع باعث شکل‌گیری فرایند حذف اجتماعی شده که مبتنی بر روابط قدرت و استثمار است و در سطوح میانی و خرد بر حسب متغیرهای اجتماعی مانند جنسیت، سن به گونه متفاوت عمل می‌کند به نحوی که در اثر این فرایند، ضعیف‌ترین گروه‌ها به لحاظ سن و جنسیت دچار استثمار و حذف شدگان مضاعف می‌شوند که مصداق چنین امری کار کودکان و استثمار و بهره‌کشی از آن‌ها در اشکال مختلف است. براساس نظریه فرهنگ فقر لوییس می‌توان گفت که بسیاری از افراد فقیر، فاقد نیروی روانی کافی برای بیرون کشیدن خود از فقر هستند و در نتیجه آن‌ها قادر نیستند از کمک‌های اقتصادی برنامه کمک درآمد برای بهبود وضعیت خویش سود جویند، در این افراد ارزش‌های فقر نهادینه شده است و به نوعی فرهنگ فقر در آن‌ها بسیار نفوذ کرده است و وضعیت خانواده آن‌ها نیز دارای این ارزش‌ها می‌باشند. طبق نظریه انتخاب عقلانی اپتکار می‌توان گفت که روی آوردن کودکان به کار در خیابان و شروع کار در سن کودکی، در چارچوب پاداش‌هایش برای

1. Rational Choice Theory
2. Aptekar

کودکان قابل فهم است و کار کودکی برای کودکان با توجه به اینکه برای آن‌ها پاداش‌های مالی همراه می‌باشد، امکان صرف نظر از آن وجود ندارد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، از رویکرد تحقیق کیفی و روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. نظریه زمینه‌ای به چند نوع تقسیم می‌شود؛ از جمله می‌توان به نظریه زمینه‌ای گلیزر، نظریه زمینه‌ای تحول یافته اشتراوس و کوربین، نظریه زمینه‌ای سازنده‌گرایی چارمز^۱ و نظریه زمینه‌ای پست‌مدرنیستی یا تحلیل موقعیتی کلارک^۲ اشاره کرد (کرسول، ۱۳۹۱؛ ایمان، ۱۳۹۱). در این پژوهش، از نظریه زمینه‌ای تحول یافته اشتراوس و کوربین استفاده شده است. اهمیت این روش‌شناسی از یک سو، به قابلیت آن در نظریه‌سازی و از سوی دیگر، به ایجاد ظرفی برای تحلیل داده‌های کیفی است (ایمان، ۱۳۹۱). این روش در پی دستیابی به سطحی بالاتر از توصیف، به دنبال تولید یا کشف نظریه است (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۱). مشارکت‌کنندگان تحقیق حاضر کارشناسان ذی‌ربط موضوع کودکان کار در شهر شیراز بوده‌اند. این مشارکت‌کنندگان به صورت مستقیم با وظایف مختلف با موضوع کودکان کار سر و کار داشته و دارند. بر این اساس تا رسیدن به اشباع نظری این مصاحبه‌ها با کارشناسان ادامه پیدا کردند. به صورت کلی در این پژوهش ده نفر از کارشناسان کمیته امداد، بهزیستی، شهرداری و سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد مشارکت داشته‌اند. افراد مورد مصاحبه، ۵ نفر دارای تحصیلات کارشناسی، ۴ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و یک نفر دارای تحصیلات دکتری بودند و دامنه سنی آن‌ها بین ۳۳ تا ۴۹ سال بودند و در زمان مصاحبه دارای مسئولیت در حوزه کودکان کار بودند.

برای انجام مصاحبه با مشارکت‌کنندگان تلاش شد از یک سو، مشارکت‌کنندگان وقت و زمان کافی داشته باشند و از سوی دیگر، مکان مصاحبه نیز متناسب انجام مصاحبه‌های کیفی باشد. برای رعایت اخلاق علمی، با ارائه یک برگ فرم رضایت‌نامه به هر فرد مشارکت‌کننده اطمینان داده شد که مصاحبه وی به‌طور کامل، محرمانه خواهد بود و اطلاعات و داده‌های آن‌ها با نام مستعار ارائه خواهند شد. زمان مصاحبه با مشارکت‌کنندگان متغیر بوده است؛ کمترین میزان ۳۰ دقیقه بوده است و بیشترین میزان ۹۰ دقیقه بوده است. مجموع مصاحبه‌ها بالغ بر سیصد دقیقه شد.

1. Charmz

2. Clark

در تحقیق حاضر، برای انتخاب مشارکت‌کنندگان و مفاهیم از دو روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ و نمونه‌گیری نظری^۲ استفاده شد. در روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای این مطالعه، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌طور هم‌زمان، انجام شده است تا به پیدایش نظریه مستقر در داده‌ها کمک کند. تکنیک اصلی مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه عمیق^۳ بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است. برای قابلیت اعتماد و صحت داده‌ها و تحلیل آن‌ها از سه روش استفاده از تکنیک ممیزی، کنترل یا اعتباریابی از سوی اعضا و مقایسه‌های تحلیلی استفاده شد. براین‌اساس، این پژوهش زیر نظر متخصصان روش تحقیق کیفی انجام شده است و این متخصصان در همه فرایندها، شامل مراحل کدگذاری، مقوله‌بندی مفاهیم و ساخت نظریه نظارت داشته‌اند. همچنین یافته‌های پژوهش در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا نظر خود را درباره یافته‌های کلی و صحت تحلیل‌ها ارائه دهند و اینکه صحبت‌های خود را با داده‌های پیاده شده تطبیق دهند. همچنین چندین مرحله به داده‌های خام رجوع شد تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شود. پژوهشگران در این مرحله، فرایند رفت و برگشتی میان مصاحبه‌های خام و مصاحبه‌های کدگذاری شده را انجام داده‌اند که براین‌اساس مقایسه مداوم مصاحبه‌ها و فرایند کدگذاری و ساخت نظریه صورت گرفته است.

فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های پژوهش از طریق سه مرحله کدگذاری به‌دست‌آمده‌اند که عبارت هستند از کدگذاری باز، محوری و انتخابی. نخستین کدگذاری در این نوع روش‌شناسی، کدگذاری باز است. در مرحله تجزیه و تحلیل داده و در فرایند جستجوی کدها، کدگذاری باز امکان‌پذیر می‌شود. در جریان کدگذاری باز، نظریه‌پردازان زمینه‌ای به خرد کردن، تجزیه و تحلیل، مقایسه، برچسب زدن و مقوله‌سازی داده‌ها می‌پردازند. در این پژوهش هم در مرحله اول داده‌های تحقیق با استفاده از کدگذاری باز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند که حدود ۳۵۰ مفهوم به دست آمد که این مفاهیم به ۷۵ مقوله فرعی منتج شدند. مرحله دوم کدگذاری، کدگذاری محوری است. کدگذاری محوری عبارت است از سلسله رویه‌هایی که پس از کدگذاری باز به وسیله آن‌ها با

-
1. Purposive Sampling
 2. Theoretical Sampling
 3. In-depth Interview

برقراری پیوند میان مقولات، به شیوه‌های جدیدی اطلاعات با یکدیگر ارتباط می‌یابند. فرایند اتصال مقوله‌ها به یکدیگر بر اساس ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها کدگذاری محوری نام دارد. در کدگذاری محوری، مفاهیم و مقولات اولیه‌ای که در کدگذاری باز ایجاد شده‌اند با یکدیگر مقایسه و ضمن ادغام موارد مشابه، مقوله‌هایی که به یکدیگر مربوط می‌شوند حول محور مشترکی قرار می‌گیرند. بعد از اینکه مقوله‌های فرعی به دست آمدند. از این مقولات فرعی در مرحله کدگذاری محوری ۱۱ مقوله اصلی به دست آمد. مرحله آخر کدگذاری، کدگذاری انتخابی است؛ که در این نوع کدگذاری تمام مقولات اصلی باهم مقایسه می‌شوند و مورد بررسی قرار می‌گیرند تا تحت یک مقوله هسته توضیح داده شوند.

تنوع چشم‌انداز به پدیده کودک کار

براساس ادراک و دیدگاه مشارکت‌کنندگان، کودک کار وارد چرخه و فرایند جدیدی می‌شوند و نیاز هست که جنبه‌های مختلف آن لحاظ شود. آن‌ها اعتقاد دارند که اگرچه کودک کار از نظر سنی تعریف می‌شود و کودکانی که در یک سن خاصی مشغول به انواع کارهای مختلفی شوند، شامل این پدیده می‌شوند. چشم‌انداز مختلف نسبت به این پدیده وجود دارد به گونه‌ای که موجب تأکید بر ابعاد خاصی و برجسته نمودن همان ابعاد در تعریف پدیده کودک کار می‌باشد.

جدول ۱- مقوله اول: مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی آن

مقوله اصلی	مقولات فرعی
تنوع چشم‌انداز به پدیده کودک کار	منبع درآمدی خانواده و تعریف کودکان کار
	تمایز بین کودک کار و کودک خیابان
	کودک کار و نیازمند تأمین معیشت
	کودک خیابان و ورود به حوزه آسیب‌ها
	کودک کار و صرف کردن بخشی از وقت خود به کارهای مختلف
	کودک کار و انجام کارهای سیاه

یکی از پاسخگویان در تعریف کودک کار به منبع درآمدی خانواده اشاره می‌کند و در این

زمینه اعتقاد دارد که:

«کودک خیابان وارد فیلد آسیب‌ها می‌شه و کودکی هست که شاید خانواده آن‌چنان نیاز مالی هم نداره و به دلیل سهل‌انگاری، مسامحه و غفلت خانواده، بچه‌ها در خیابان رها می‌شن، اما کودک کار برای تأمین امر و معاش مجبور به کار کردن هست».

همین کارشناس در ادامه اعتقاد دارد که بین کودک کار و کودک خیابان مرزهای روشنی وجود دارد و تمایز و تفاوت محسوسی بین این گروه می‌توان قائل بود. این مشارکت‌کننده به این صورت دیدگاه خود را در مورد تمایز بین کودک کار و کودک خیابان بیان می‌کند:

«کودک خیابان وارد فیلد آسیب‌ها می‌شه و کودکی هست که شاید خانواده آن‌چنان نیاز مالی هم نداره و به دلیل سهل‌انگاری، مسامحه و غفلت خانواده، بچه‌ها در خیابان رها می‌شن، اما کودک کار برای تأمین امر و معاش مجبور به کار کردن هست».

یکی دیگر از کارشناسان این حوزه اعتقاد دارد که در تعریف کودک کار و کودک خیابان با وجود تعاریف تخصصی، این دو مترادف هم به کار برده می‌شوند. این مشارکت‌کننده به این صورت ادراک خود را شرح می‌دهد:

«امروزه تعریف کودک کار و خیابان مترادف با هم به کار برده می‌شه ولی از لحاظ تعریفی و تخصصی این دو مفهوم برای ما تفکیک شده هست. کودک کار برای امرار معاش خودش باید کار کنه، صرفاً هم دلیل بر این نمی‌شه که سر خیابان و چهارراه‌ها باشه، خیلی مواقع کارهای زیرزمینی هست مثل کوره‌های آجرپزی یا جمع‌آوری بازیافت یا مسائلی از این دست. ولی خب این کودک داره کار میکنه و تعریفش با کودک خیابان فرق داره».

یکی دیگر از متخصصان این حوزه اعتقاد دارد که کودک کار به کودکانی گفته می‌شود که بخشی از وقت خود را صرف انواع مختلف از کارهای ممکن کنند. این مشارکت‌کننده به این صورت ادراک خود را بیان می‌کند:

«کودک کار کودکی هست که تایمی از روزش رو صرف کار کردن میکنه، حالا به هر شکلی».

همچنین کودکان کار را به عنوان کودکان درگیر کارهای سیاه تعریف می‌کند و اعتقاد دارد که این کودکان از اهمیت بیشتری برخوردار هستند و نیاز بیشتری احساس می‌شود که نسبت به این کودکان چاره‌جویی شود. یکی از کارشناسان این حوزه ادراک خود را به این صورت شرح می‌دهد:

«کارهای سیاه؛ کارهای هستند که نسبت به سن قانونی برای کودکان آسیب‌زا و از لحاظ روحی و جسمی به کودک ضربه بزنند. به شخصیتشان توهین شود کار سیاه است. البته

تعریف کار سیاه در خانواده‌ها و افراد نسبی است ممکن است یک کار برای یک فرد کار سیاه محسوب شود برای یک فرد دیگر کار سیاه محسوب نشود».

کودک کار به مثابه صنعت درآمدزا

دلایل و انگیزه‌های زیادی برای انجام کار در کودکی و عدم ترک آن وجود دارد. یکی از دلایل اصلی که مشارکت‌کنندگان پژوهش در مورد آن اظهار نظر کرده‌اند، درآمدزا بودن این نوع شغل می‌باشد. از نظر مشارکت‌کنندگان برای جمعیت کثیری از افرادی که به کودکی کار اشتغال دارند، اصلی‌ترین انگیزه کسب درآمد بالای آن می‌باشد و می‌توان آن را به یک صنعتی تشبیه کرد که در این صنعت فرد نیازی به سرمایه نمی‌بیند. در این صنعت، فرد هر درآمدی کسب می‌کند به عنوان سود شناخته می‌شود.

جدول ۲- مقوله دوم: مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی آن

مقوله اصلی	مقولات فرعی
کودک کار به مثابه صنعت درآمدزا	کسب درآمد بالا و ادامه دادن این مشاغل
	تفاوت محسوس حمایت‌های سازمان‌ها با درآمدهای کسب شده کودکان کار
	عدم تمایل خانواده‌ها به نگهداری فرزندان‌شان توسط مراکز نگهداری با انگیزه درآمدزایی
	وجود شواهد عملی برای اثبات درآمدزا بودن این مشاغل

یکی از پاسخگویان اعتقاد دارد که یکی از اصلی‌ترین دلایل کار در کودکی و عدم علاقه در ترک آن، همین کسب درآمد بالا می‌باشد و اعتقاد دارد که:

«بیشترین انگیزه پول درآوردن هست، چون کودک وقتی کار می‌کند درآمد خوبی خواهد داشت، حتی درآمدی بیش از بزرگسال دارد. این درآمد خوب برایشون جذاب هست و کار می‌کنن. حتی می‌بینیم که ۱۸ یا ۱۹ ساله شدن و دارن سر چهارراه کار می‌کنن، اینا از کودکی شروع کردن و توی سطح شهرن».

یکی از کارشناسان اعتقاد دارد که حمایت‌هایی که از این کودکان صورت می‌گیرد در مقایسه با درآمد آن‌ها اصلاً قابل قیاس نمی‌باشد. این مشارکت‌کننده ادراک خود را به این صورت شرح می‌دهد:

«موضوع دیگه این‌که درآمدی که این‌ها در خیابان دارن خیلی بیشتر از چیزی هست که ما می‌تونیم آن‌ها رو ساپورت کنیم. ما بچه داشتیم که روزی ۷۰۰ تومن یا ۸۰۰ تومن یا بیشتر، حتی در تهران شنیدم این درآمد روزانه به خیلی بیشتر می‌رسه»

کودک کار به سان منبع تأمین نیاز مالی خانواده

شرایط اقتصادی جامعه و شرایط اقتصادی خانواده برای برخی از این کودکان نشانگر آن است که این کودکان باید برای تأمین نیازهای اولیه خانواده‌شان به کارهای مختلفی مشغول شوند؛ کودکان کاری که تأمین برخی از نیازهای اولیه خانواده‌شان را بر عهده دارند. براساس تجربیات و ادراک مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت که این تأمین نیازهای اولیه خانواده‌شان از جمله شرایطی می‌باشد که کودکان کار را وارد چرخه فرایند کار در کودکی می‌کند.

جدول ۳- مقوله سوم: مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی آن

مقوله اصلی	مقولات فرعی
کودک کار به سان منبع تأمین نیاز مالی خانواده	شرایط اقتصادی جامعه و انجام کار در کودکی
	مشکلات اقتصادی خانواده و ناچاری در کار کودکی
	منبع تأمین نیازهای مالی خانواده

تأمین نیاز مالی خانواده برای برخی از این کودکان اولویت دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان دیدگاه خود را به این صورت بیان می‌کند:

«اغلب نیاز مالی اولویت داره ولی خب پیش میاد چون خیلی اهمیت پیدا می‌کنه این نیاز مالی، درس خوندن اولویت اولیشون نیست و اولویت اول کار کردن باشه و اولویتهای بعدی درس خوندن».

در مورد اینکه این کودکان به خاطر تأمین نیازهای اولیه خانواده‌شان مجبور به کارهای مختلف هستند، اغلب پاسخگویان معتقدند که بحث‌های اقتصادی و تأمین معیشت خانواده برای برخی از این کودکان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد.

«ما توی این حوزه خانواده‌هایی رو داریم که بحث اقتصادی دارن، نمی‌گم پرتعدادن، اما اهمیت دارن. برای همین اول می‌گم. برای این‌که حتی اگر یک خانواده هم باشه، خانواده‌هایی که نمی‌تونن ارتزاق کنن و راهی جز هدایت کودکان‌شان به این سمت ندارن، اینا رو باید شناسایی کرد و از طریق خیرین بهشون کمک کرد».

فشار خانوادگی و شروع فرایند کار در کودکی

شرایط اقتصادی بغرنج در این خانواده‌ها نیز آر نظر مشارکت‌کنندگان تسریع کننده ورود این کودکان به چرخه کودکان کار می‌باشد. مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که این کودکان کار از لحاظ خانوادگی شرایط مساعدی ندارند و به خصوص در حوزه اقتصاد و تأمین معیشت با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می‌کنند. همین شرایط ناپایدار اقتصادی در این خانواده از نظر مشارکت‌کنندگان به مثابه شرایطی می‌باشد که مسیر ورود این کودکان را به فرایند کار در کودکی هموار می‌کند.

جدول ۴- مقوله چهارم: مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی آن

مقوله اصلی	مقولات فرعی
فشار خانوادگی و شروع فرایند کار در کودکی	وضعیت نامطلوب خانوادگی کودکان اتباع افغانی
	پر جمعیت بودن خانواده‌ها و اجبار کار کودکی
	بازنشستگی والدین و اجبار کار در کودکی
	تجربیات کار در کودکی توسط والدین و اجبار فرزندان خود به این مشاغل
	سوء استفاده والدین و انگیزه درآمدزایی آن‌ها و شروع کار کودکی
	عدم تمایل به کار کودکی توسط فرزندان

یکی از کارشناسان در مورد وضعیت خانوادگی کودکان اتباع افغانی اعتقاد دارد که این کودکان به اجبار والدین خود، کار را در کودکی شروع می‌کنند. این مشارکت‌کننده به این صورت ادراک خود را شرح می‌دهد:

«توی اتباع این طوری هست که پدر تا سن ۳۰ یا ۴۰ سالگی کار کرده، الان پدر به کارگر یا بناست و شغل کم شده. با توجه به این که ساخت و ساز کم می‌شه، پدر شغلی نداره. پدر تعداد زیادی بچه تولید کرده و پدر حالا می‌گه، خب بچه‌ها من کار کردم، حالا نوبت شماست، برید کار کنید».

مشارکت‌کنندگان نیز به اجبار فرزندان از سوی والدین اشاره می‌کند و اعتقاد دارند که برخی از این والدین پا را فراتر می‌گذارند و از فرزندان خود سوء استفاده می‌کنند و به عنوان منابع درآمدزا به آن‌ها نگاه می‌کنند. همچنین عدم تمایل کودکان به کار در کودکی در موارد متعددی

عیان بوده است، اما علل اصلی که در این مشاغل ماندگار بوده‌اند، اجبار خانواده‌ها و والدین آن‌ها بوده است.

ناسازوارگی و آشفتگی نهادی و مدیریتی

در موضوع کودکان کار در کشورمان به صورت عام و استان فارس و شیراز به صورت خاص، به نظر می‌رسد در عمل تقسیم‌کار سازمانی وجود ندارد. این عدم تقسیم‌کار به صورت مشخص سبب شده است که بسیاری از سازمان‌های دولتی از وظایف اصلی خود در قبال کودکان کار شانه خالی کنند. علیرغم اینکه سازمان‌های متولی اصلی در موضوع کودکان کار مشخص شده‌اند، اما موردی که به صورت مشخص مرزهای آن تعیین نشده‌اند، وظایف هر کدام از این سازمان‌ها و نهادهای دولتی می‌باشد. در بسیار از مواقع می‌توان نوعی موازی کاری و وظایف متقاطع سازمانی را مشاهده کرد. سازمان‌های متولی امر کودکان کار در بسیار از مواقع از وظایف اصلی خود به دلیل موازی کار و اینکه سازمان و نهاد دیگر نیز وظایفی دارا می‌باشند، شانه خالی می‌کنند و به وظایف اصلی خود عمل نمی‌کنند، علیرغم اینکه سازمان و نهاد دیگر وظایف بسیار جزئی برعهده دارد. بر این اساس می‌توان گفت که نوعی آشفتگی نهادی و سازمانی وجود دارد و این آشفتگی مدیریتی سبب شده است بین وظایف سازمان‌های مختلف نوعی عدم سازگاری به وجود آید.

جدول ۵- مقوله پنجم: مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی آن

مقوله اصلی	مقولات فرعی
ناسازوارگی و آشفتگی نهادی و مدیریتی	نبود تقسیم‌کار نهادی و سازمانی
	شانه خالی کردن برخی از سازمان‌ها از وظایف خود
	موازی و متقاطع بودن وظایف برخی از نهادها
	آشفتگی و ناهماهنگی مدیریتی در سطح کلان
	ناهماهنگی به مثابه بهانه‌ای انجام ندادن وظایف و مسئولیت‌های خود
	انجام کارهای نمایشی و غیراصولی در برخی از سازمان‌ها
	انجام نشدن وظایف سازمان‌های مختلف در قبال مسئولیت‌های خود
	انتظار انجام همه مسئولیت‌ها و اقدامات توسط یک سازمان
	ارتباط و تعامل نامطلوب بین سازمان‌های متولی امر

یکی از کارشناسان به عدم تقسیم کار سازمانی و نهادهای متولی امر کودکان کار اشاره می‌کند و اعتقاد دارد که:

«احساس می‌کنم تعریف درست مسئولیت در هیچ کدام از سازمان‌ها اتفاق نیفتاده، یعنی متولی کودکان کار، به جایی می‌شه سازمان‌دهی آسیب‌های اجتماعی شهرداری، به جایی می‌شه جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی دادگستری، به جایی می‌شه فرمانداری. به جای می‌گن اینا محرومان بهزیستی هستن، به جا می‌گن چون بحث آموزش پس از آموزش و پرورش هست، مسئول آموزش و پرورش هست. انگار که سازمان‌هایی که موازی با هم هستن، متقاطع با هم دارن مسئولیت به چیزی را بر عهده می‌گیرن».

به طور کلی این اعتقاد وجود دارد که این ناهماهنگی و آشفتگی مدیریتی در سطح کلان نیز وجود دارد. مشارکت‌کننده یاد شده دیدگاه خود را به این صورت بیان نمود:

«این عدم هماهنگی توی کل کشور وجود داره. این یعنی از بالا تا پایین وقتی خرابه، این هماهنگی شکل نمی‌گیره. چون دغدغه و همت و خواستی برایش نیست که این هماهنگی شکل بگیره، وگرنه به نامه زده می‌شه به استانداری و فرمانداری و می‌گی آقا اون گروه‌های ذی‌ربط رو توی هر استانی جمع بکنید و شرح وظایف کنید برایشون و به بازرس هم مسئول باشه ببینه کدوم ارگان کارشو انجام نمی‌ده. چون ارگانا عملاً به هم پاس می‌ده»

یکی دیگر از کارشناسان اعتقاد دارد که ناهماهنگی و آشفتگی مدیریتی و سازمانی با عزم جدی سازمان‌های مختلف در انجام کارهای نمایشی و غیراصولی پیوند دارد. این مشارکت‌کننده به این صورت دیدگاه خود را بیان می‌کند:

«عموماً این جوریه هست که مثلاً فرمانداری متولی فلان امر هست و امروز قراره فلان وزیر بیاد بازدید، فرمانداری به دستور می‌ده که مسئله کودکان کار زیاد مشاهده شده‌ها و همه می‌دونیم داستان چیه دیگه و شروع می‌کنن ظرف یک هفته بگیر و ببند کودکان کار و خیابان و جمع‌آوری متکدیان. ظرف دو هفته اینا جمع و جور می‌شن تا اون وزیر بیاد و بره و بعد دوباره روز از نو و روزی از نو».

فرصت بی بدیل برای کودکان کار: مهاجرپذیر بودن شیراز

شهر شیراز به عنوان مقصد نهایی بسیاری از مهاجرین و به خصوص مهاجرین افغانی می‌باشد. در شیراز جمعیت زیادی از اتباع افغانی سکونت دارند و بسیاری از این مهاجرین فاقد مجوزهای قانونی سکونت می‌باشد. این جمعیت زیاد که در شیراز سکونت دارند، فاقد مدارک

هویتی و شناسایی می‌باشند، از سوی دیگر بیشتر آن‌ها از خانواده‌های پرجمعیت می‌باشد به شغل‌های کاذب روی می‌روند و بسیاری از آن‌ها که دارای فرزند می‌باشند، فرزند خود را در سنین کودکی روانه بازار کار می‌کنند. از اصلی‌ترین عوامل عدم ساماندهی کودکان کار و توسل به استراتژی‌های راهبردی و کاربردی برای حل و کنترل مسئله کودکان کار، همین موضوع یعنی مهاجرپذیر بودن شهر شیراز می‌باشد.

جدول ۶- مقوله ششم: مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی آن

مقوله اصلی	مقولات فرعی
فرصت بی‌بديل برای کودکان کار: مهاجرپذیر بودن شیراز	سیاست‌های کلان کشوری و مهاجرپذیر نمودن شیراز
	حضور پررنگ اتباع افغانی در شیراز
	مهاجرپذیر بودن شیراز و نیازمند مدیریت و سازمان‌دهی
	مهاجرت و ورود اتباع و عدم برنامه‌ریزی منسجم
	حضور مهاجرین و مسائل مختلف فرهنگی

یکی از کارشناسان به سیاست‌های کلان کشوری در مورد ورود اتباع به مناطق مختلف و از جمله شیراز اشاره می‌کند و اعتقاد دارد که:

«یکی از سیاست‌های کلان مملکتی این بود که بیان و اتباع رو توی بعضی از مراکز جمع کنن. به صورت نمونه می‌توان اشاره کرد که همه اتباع افغانی مقیم در سیستان و بلوچستان رو جمع کردن و آورده‌اند توی شیراز».

این اعتقاد نیز وجود دارد که مرزهای کشور بر روی اتباع از وضعیت پایداری برخوردار نمی‌باشد و گاهی اوقات این مرزها باز هستند و این افراد می‌توانند به شهرهای مختلف مهاجرت کنند.

«از اون طرف مرزها نه بسته هست و نه باز هست و وضعیت مشخص نیست. اوائل این‌جوری بود که اتباع می‌رفتن توی شهرستان‌های کوچیک. خب اون‌جا بنایی بود و کارهای این‌جوری و چون جمعیتشون هم بیهو توی یه نقطه زیاد نمی‌شد، می‌تونستن توی محیط هضم بشن. ولی بنا به دلایلی تصمیم گرفتند که اینا رو جمع کنن توی شیراز. همه اومدن توی شیراز و مسکن توی شیراز چند برابر روستاست. حمل و نقل خیلی بیشتره، هزینه

درمانشون هم بیشتره. در نتیجه نیاز به اشتغال دارن و از اون طرف کار هم نیست. اینو همه می‌دونن و به خاطر همین فرزندان خود را برای کار به خیابان فرستادنند.»

یکی از مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارد که یکی از اصلی‌ترین مشکلات شهر شیراز در مواجهه با کودکان کار به صورت خاص؛ مهاجرپذیر بودن آن می‌باشد و بیشتر مهاجرت‌ها بدون حساب و کتاب انجام شده است.

«ما در شیراز مشکل داریم و مشکل اصلیمون تعداد بالای افغانی‌ها در شیراز هست. در خیلی از شهرهای ایران ما این مشکل رو نداریم ولی شیراز جز بدترین شهرهاست؛ یعنی اگر ۵ یا ۶ تاشهر بد، در حوزه مهاجرپذیر بودن، بدون هیچ حساب و کتابی اسم ببریم، قطعاً شیراز یکی از اون‌هاست و قانون هم اجرا نمی‌شه.»

بازنمایی منفی و فعالیت‌های متعارض رسانه‌ای

موضوع دیگری که از نظر مشارکت‌کنندگان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد، فعالیت‌های متعارض و بازنمایی منفی رسانه‌ای می‌باشد. از نظر مشارکت‌کنندگان رسانه و صدا و سیما در این مورد و حل و کنترل مسئله کودکان کار می‌تواند اقدامات بسیار تأثیرگذاری را انجام دهند، اما در سالیان اخیر رسانه‌ها و صدا و سیما نتوانسته است رویکرد مطلوبی در این زمینه اتخاذ کند، بلکه با سریال سازی نامطلوب، شایعه‌سازی و واقعیت سازی سبب شده است که نسبت به این موضوع سردرگمی‌ها و ابهام‌های متعددی شکل گیرد.

جدول ۷- مقوله هفتم: مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی آن

مقوله اصلی	مقولات فرعی
بازنمایی منفی و فعالیت‌های متعارض رسانه‌ای	پخش اخبار غیر واقعی
	فعالیت‌های متعارض رسانه‌ای
	سریال سازی به مثابه رویکرد واقعیت سازی
	پخش شایعات مختلف در رسانه‌ها
	بازنمایی منفی و عدم بازنمایی واقعیت‌های موجود در رسانه‌ها

یکی از کارشناسان به شایعاتی که از طریق رسانه‌ها پخش می‌شوند، اشاره می‌کند و اعتقاد

دارد که:

«مثلاً رسانه‌ها خیلی شایعات بدی هم پخش می‌کنن. من بچه کار گرسنه‌ای ندیدم شخصاً که بخواد توی سطل اشغال دنبال غذا بگرده. شما خودتون نگاه کنید و ببینید این‌ها توی سطل آشغال‌ها دنبال چی هستن؟ دنبال ضایعات و بازیافت هستن. ضایعات برای خودش یک منبع درآمد خوبی هست. ضایعات، کارتن و ... که حتی به جورایی دست یک گروه‌های خاصی هست؛ و دست هرکسی هم نمی‌دن».

اشاره به پخش غیر واقعی در رسانه‌ها هم یکی از نکات مورد اشاره است.

«بین رسانه‌ها پخش می‌کنن که من گاهی اوقات ناراحت می‌شم، می‌گم یک خبری رو پخش کنید ولی خبری که صحت داشته باشه؛ و مردم رو از لحاظ احساسی درگیر می‌کنن، خدشه دار می‌کنن. همین وضعی که در جامعه هست، این بی‌اعتمادی اصلاً خوب نیست».

مشارکت‌کنندگان زیادی به نوع سریال سازی صدا و سیما و به خصوص سریال آوای باران انتقاد دارند و بیان می‌کند که این نوع سریال سازی که بیشتر شبیه جعل واقعیت است تا بازنمایی واقعیت‌های موجود کودکان کار.

«یه تصویری از شبکه‌ای کار کردن بچه‌ها هست، یه سریالی هم چند سال پیش پخش شد و این تصویر رو در ذهن عمومی آدم‌ها ایجاد کرد که این‌ها یک باند هستن و یک سرکرده دارن، بعد اینا رو مدیریت می‌کنه، نه این‌طوری نیست».

کودکان کار اتباع و مشکل شناسایی و هویتی آن

از نظر مشارکت‌کنندگان چالش اصلی که در این جامعه و به خصوص در شهر شیراز درباره مسئله کودکان کار وجود دارد، کودکان کار اتباع افغانی می‌باشد، کودکان کاری که بسیاری از آن‌ها فاقد مدارک هویتی و شناسایی می‌باشند. این موضوع یعنی عدم وجود مدارک هویتی و شناسایی سبب شده است که شناخت دقیقی در مورد آن‌ها حاصل نشود و برنامه‌ریزی و مدیریت منسجم شکل نگیرد. از سوی دیگر با توجه به ادراک مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت که بیش از ۹۰ درصد و حتی ۹۹ درصد از کودکان کار در شیراز، کودکان کار اتباع و به خصوص اتباع افغانی می‌باشند. بیشتر خانواده‌های این کودکان به صورت غیرقانونی وارد خاک کشورمان و شهر شیراز شده‌اند، بر همین مبنا فاقد مدارک هویتی و شناسایی می‌باشند.

جدول ۸- مقوله هشتم: مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی آن

مقوله اصلی	مقولات فرعی
مشکلات شناسایی و مشکلات کار اتباع و کودکان کار	ورود غیرقانونی و عدم وجود مدارک شناسایی
	حضور پررنگ کودکان کار اتباع بدون مدارک هویتی
	جمعیت زیاد کودکان کار اتباع افغانی در شیراز
	کودکان کار بدون مدارک هویتی و عدم حمایت‌های لازم از آنها
	عدم وجود مدارک هویتی و مسائل سرشماری آنها

یکی از کارشناسان اعتقاد دارد که:

«بیشتر جمعیت کودکان کار در شیراز اتباع افغانستانی هستند. آماری که من دارم و طی این چند سال جمع‌آوری کردیم، گاهی حدود ۹۰٪ افغانستانی هستند و آمار بزرگی هست و توی بنگاه‌های اقتصادی، حجره‌ها، تعمیرگاه‌ها و گل‌خونه‌ها و ... باز وقتی می‌بینیم این آمارشون بسیار قابل توجه هست».

یکی از کارشناسان سازمان بهزیستی که مسئولیت ساماندهی و کنترل کودکان کار را دارد در این مورد بیان می‌کند که:

«ما از پارسال ۱۲۸ بچه داشتیم در طرح جمع‌آوری آخرمون که ۱۲۰ تاش اتباع بوده و ۸ تاش بچه ایرانی بوده».

یکی دیگر از کارشناسان این حوزه به مسائل و مشکلات خدمات‌دهی به این کودکان کار اشاره می‌کند و اعتقاد دارد به علت نداشتن کد ملی نمی‌توان بسیاری از خدمات را به این کودکان کار ارائه کرد.

«مثلاً پولی نمی‌تونیم بهشون پرداخت کنیم چون کد ملی ندارن، حساب بانکی ندارن، به هر حال یک‌سری خدمات درمانی را مثل ایرانی‌ها نمی‌تونن بگیرن، به این دلیل هست که شاید تعداد کودکان کار ما بیشتر است».

سازمان‌های مردم‌نهاد و بی‌تفاوتی نسبت به کودکان کار

برخی از مشارکت‌کنندگان که از سازمان‌ها و نهادهای دولتی بوده‌اند اظهار نظر کرده‌اند که سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی و مردم‌نهاد تمایل چندانی به کمک و همکاری در مورد مسئله کودکان کار ندارند. این مشارکت‌کنندگان اعتقاد داشته‌اند که می‌توان گفت که این سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی نسبت به مسئله کودکان کار بی‌تفاوت می‌باشند؛ اما مشارکت‌کنندگانی که از این سازمان‌ها و مؤسسات غیر دولتی بوده‌اند به ریشه‌ها و دلایل عدم مشارکت خود در این

موضوع اشاره کرده‌اند و همین سازمان‌های متولی امر کودکان کار را اصلی‌ترین دلیل عدم مشارکت خود ذکر کرده‌اند.

جدول ۹- مقوله نهم: مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی آن

مقوله اصلی	مقولات فرعی
سازمان‌های مردم‌نهاد و کمی‌تفاوتی نسبت به کودکان کار	کم توجهی سازمان‌های مردم‌نهاد به مسائل کودکان کار
	نپذیرفتن فراخوان همکاری با سازمان‌های دولتی در موضوع کودکان کار
	نبود تعامل بین سازمان‌های دولتی و سازمان‌های غیر دولتی
	نبود قوانین دست و پا گیر در سازمان‌های مردم‌نهاد و تاثیرگذاری آن‌ها در موضوع کودکان کار
	کژکارکردی برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد

یکی از کارشناسان در مورد این سازمان‌های مردم‌نهاد اعتقاد دارد که:

«از آن جی‌آ‌ها دعوت کردیم که در طرح شناسایی ما به عنوان نیروهای داوطلب کمک کنند که آن جی‌آ‌های خیلی قوی هم انتخاب کردیم. دوره‌های آموزشی مرتب برگزار می‌شود، هم بین استان‌های دیگر و هم بین خودمون به صورت هفتگی ویدیو کنفرانس داریم و با کل کشور تبادل نظر می‌کنیم و آمار می‌دیم، اما این سازمان‌ها تمایلی چندانی از خود نشان نداده‌اند و همکاری نیز در این مورد حاصل نشده است».

این اعتقاد وجود دارد که سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند اقدامات بسیار موثری در موضوع کودکان کار انجام دهند.

«آن جی‌آ‌ها بهترین کار رو میتونن انجام بدن؛ یعنی ما هر وقت کار رو به خود مردم سپردیم، بهتر جواب میده. ادارات ما در بعضی زمینه‌ها خیلی کند هستن. مردم از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد بهترین کارها رو می‌تونن انجام بدن، به جمع متخصص رو می‌تونن جمع کنند که بوروکراسی دست و پا گیر ندارن و آدم‌های دلسوز هم زیاد داریم، این‌ها اگر کنار هم قرار بگیرن، خیلی کارهای بزرگی می‌تونن بکنن. چون در ادارات غالباً اتفاق خاص و خلاقیتی نمی‌بینم».

بازدارندگی برخی از قواعد و قوانین داخلی و بین‌المللی

مشارکت‌کنندگان به قواعد و قوانین اعم از قوانین داخلی و بین‌المللی اشاره می‌کند و اعتقاد دارند که در این زمینه نیز ضعف‌ها و خلأهای زیادی وجود دارد. مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که همین موضوع سبب شده است که نتوان آن‌چنان باید و شاید در قبل این موضوع اقدامات

مؤثری انجام داد. این مشارکت‌کنندگان به خلاء های قانونی در مورد ورود اتباع به شهر شیراز اشاره می‌کند و معتقد هستند که در این زمینه چالش‌های متعددی وجود دارد.

جدول ۱۰- مقوله دهم: مقوله اصلی و مقوله‌های فرعی آن

مقوله اصلی	مقولات فرعی
بازدارندگی برخی از قواعد و قوانین داخلی و بین‌المللی	قواعد بین‌المللی دست و پا گیر
	قواعد داخلی دست و پا گیر
	ضعف قانون و خلاء های قانونی
	ضعف قانون و عدم اهتمام اجرایی
	وجود قوانین مختلف و مشکلات اجرایی آن

اشاره به قوانین داخلی و عدم پاسخگویی به مسئله مهاجرین یکی از موارد مهم است که در مصاحبه‌ها مورد اشاره قرار گرفته است.

«یک سری قواعد داخلی و بین‌المللی خودمون داریم. حتی ما گفتیم اگر همیشه یک مدت ورود اتباع به فارس ممنوع بشه و فارس جز استان‌های ممنوعه بشه؛ که این موضوع با نماینده‌های مجلس مطرح شد، رایزنی شد؛ که ما حداقل بتونیم این وضع رو کنترل کنیم». یکی از پاسخگویان به ضعف قانون و خلاء های قانونی متعددی اشاره می‌کند و در این مورد دیدگاه خود را به این صورت شرح می‌دهد:

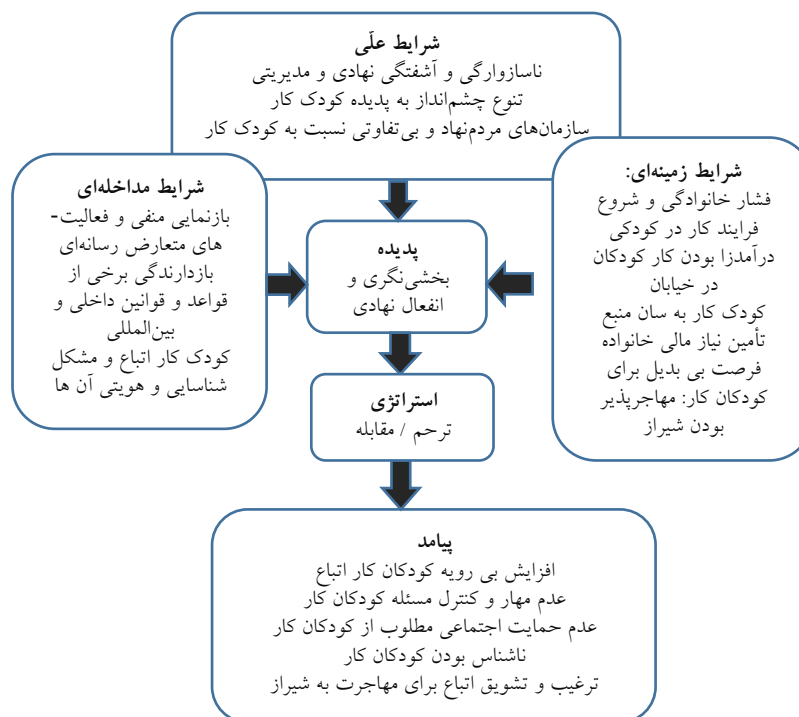
«ضعف قانونی، خلاء قانونی، ضعف اجرایی و عدم پشتیبانی دولتی. چون دولت توی انحصار خودش می‌گیره و می‌گه من متولی هستم و من منظورم از دولت حکومت هست. حاکمیت بزرگ‌ترین مانعه به ثمر رسیدن پروژه‌هایی هست که ما داشتیم. مانع این نبود که خیر کم باشه، نیرو کم باشه».

مشارکت‌کننده دیگری نیز به ضعف قانون در مورد کودکان کار اشاره می‌کند و معتقد هست که این ضعف قانون و عدم اهتمام اجرایی سبب شده است که مسائل متعددی در این مورد شکل گیرد. «چون ضعف‌های قانونی و اجرایی وجود داره. نه این‌که قانونش نباشه، هست. اول این‌که خود قانون مسائل زیادی داره، خلاء و حفره وجود داره و از اون طرفم توی اجرا براش همتی وجود نداره و مقطعی هست»

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت که مشارکت‌کنندگان پژوهش معتقد هستند که در وهله اول، نوعی موازی کاری و آشفتگی مدیریتی در مورد نحوه مواجهه با کودکان کار در شهر شیراز

وجود دارد و بر همین مبنا مقوله هسته تحت عنوان «بخشی نگری و انفعال نهادی» تدوین گردید. واکاوی و کاوش عمیق مصاحبه‌ها و دیدگاه و ادراک مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که نوعی انفعال و ناهماهنگی نهادی در مورد مسئله کودکان کار در شهر شیراز وجود دارد و از سوی دیگر نوعی بخشی نگری نهادی هم حاکم می‌باشد و هر کدام از این نهادها و سازمان‌های دولتی متولی امر کودکان کار از وظایف اصلی خود شانه خالی می‌کند. می‌توان گفت تقسیم‌کار منسجمی بین سازمان‌های دولتی متولی امر کودکان کار که شامل یازده ارگان و سازمان دولتی می‌باشند وجود ندارد و بر همین منوال هماهنگی و سازگاری بین اقدامات سازمان‌های مختلف به وجود نمی‌آید. سازمان‌ها و نهادهای دولتی مختلف انتظار دارند که سایر سازمان‌ها اقداماتی در این مورد انجام دهند و نقش خودشان در سازمان‌دهی و مدیریت این مسئله بسیار ناچیز می‌باشد. همچنین می‌توان به انفعال نهادی اشاره کرد و این حکایت از بی‌تفاوتی بسیاری از سازمان‌های متولی امر مدیریت و سازمان‌دهی کودکان دارد. با توجه به نتایج و یافته‌های فوق مدل پارادایمی ذیل استخراج گردید:



شکل ۱- مدل پارادایمی مواجهه با کودکان کار در کلان شهر شیراز (مصاحبه با کارشناسان)

بر این اساس می‌توان گفت که نوع مواجهه با کودکان کار و به خصوص کودکان کار اتباع افغانی در شهر شیراز، مواجهه مطلوبی نمی‌باشد و نوع تضاد و تناقض بین مواجهه سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عامه مردم وجود دارد. مواجهه عامه مردم شیراز با کودکان کار، مواجهه عاطفی و احساسی می‌باشد، اما مواجهه سازمان‌ها و نهادهای دولتی، موازی کاری و انفعال می‌باشد و مواجهه غیرکارشناسی شده که موازی کاری نهادی در آن حاکم می‌باشد وجود دارد. انفعال نهادی و بخشی‌نگری در مواجهه با کودکان کار در بین نهادهای دولتی حاکم می‌باشد. این نهادها که متولی امر ساماندهی و مدیریت کودکان کار هستند به نحو مطلوبی به وظایف خود نمی‌پردازند و از وظایف محول شده اصلی خود شانه خالی می‌کنند. از نظر کودکان کار و خانواده‌های آنها کار در خیابان نیاز چندانی به سرمایه مالی اولیه ندارد و کودکان بدون این سرمایه مالی درآمد قابل توجهی به دست می‌آورند.

از نظر مشارکت‌کنندگان شرایط متعددی در بروز و گسترش این پدیده در شهر شیراز دخیل می‌باشد که از جمله شرایط علی می‌توان به نیروها و عواملی مثل ناسازواری و آشفتگی نهادی و مدیریتی، تنوع چشم‌انداز به پدیده کودک کار و سازمان‌های مردم‌نهاد و بی‌تفاوتی نسبت به کودک کار اشاره کرد. شرایط مداخله‌گر متعددی نیز به صورت غیر مستقیم موجب به وجود آمدن این وضعیت شده است که می‌توان به بازنمایی منفی و فعالیت‌های متعارض رسانه‌ای، بازدارندگی برخی از قواعد و قوانین داخلی و بین‌المللی و کودک کار اتباع و مشکل شناسایی و هویتی آن‌ها اشاره کرد. این پدیده مرکزی در شرایط و بستر ویژه و خاصی قرار دارد که از جمله این شرایط و بستر می‌توان به فشار خانوادگی و شروع فرایند کار در کودکی، کودک کار به مثابه صنعت درآمدزا، کودک کار به سان منبع تأمین نیاز مالی خانواده و فرصت بی‌بدیل برای کودکان کار: مهاجرپذیر بودن شیراز اشاره کرد.

این نوع مواجهه با کودکان کار در شیراز موجب بروز و ظهور پیامدهای متعددی شده است که می‌توان به افزایش بی‌رویه کودکان کار اتباع عدم مهار و کنترل مسئله کودکان کار، عدم ساماندهی و حمایت اجتماعی مطلوب کودکان کار، ناشناس بودن کودکان کار و ترغیب و تشویق اتباع برای مهاجرت به شیراز اشاره کرد. مواجهه از نوع انفعال نهادی و بخشی‌نگری و موازی کاری نسبت به پدیده کودکان کار موجب ظهور و بروز دو نوع استراتژی و واکنش شده است که می‌توان این استراتژی‌ها را به استراتژی‌های مقابله‌ای و استراتژی‌های ترحم دسته‌بندی کرد. این استراتژی‌ها را

می‌توان به استراتژی‌های نهادهای دولتی و عامه مردم نیز دسته‌بندی کرد به این صورت که عامه مردم از استراتژی عاطفی ترحم استفاده می‌کنند و سعی می‌کنند به این کودکان کار در خیابان کمک مالی کنند و اما استراتژی‌های نهادهای دولتی، استراتژی‌های مقابله‌ای می‌باشد. این مشارکت‌کنندگان اعتقاد دارند که هر دو این استراتژی موجب گسترش پدیده کودکان کار اتباع افغانی در شهر شیراز شده‌اند. در پایان با توجه به نتایج پژوهش، می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

۱- ایجاد و تعیین سازوکار و قواعد دقیق و ثابت و تعیین ضمانت‌های اجرایی قوی در مورد این سازوکارها؛ با توجه به اینکه اکثریت کودکان کار در شهر شیراز از اتباع افغانی می‌باشند، اولویت امر تعیین سازوکار دقیق و ثابت در مورد مهاجرین افغانی و این کودکان می‌باشد. متأسفانه قواعد و قوانین دقیقی در مورد مهاجرین افغانی در کشورمان و در شهر شیراز وجود ندارد و این سازوکار و قواعد بسیار انعطاف‌پذیر می‌باشند و با تغییر یک مدیر، تمام آن قواعد و سازوکارها نیز تغییر می‌کنند. بر این اساس اولویت امر این می‌باشد که با توجه به مهاجر بود این کودکان، سازوکارهای دقیق و ثابتی در نظر گرفته شود.

۲- واسپاری مسئولیت کودکان کار به یک نهاد یا تأسیس یک سازمان جدید و تعیین دقیق وظایف و خط‌مشی آن؛ یکی دیگر از اصلی‌ترین پیشنهادها برای مدیریت کودکان کار و کنترل پیامدهای منفی کودکان کار، واسپاری تمام مسئولیت کودکان کار به یک نهاد یا سازمان می‌باشد. برای این موضوع قواعد و وظایف آن نهاد و مرزهای آن به صورت دقیق ترسیم شود و خط‌مشی و وظایف آن مکتوب گردد. این نهاد و سازمان با توجه به ضمانت‌های اجرایی که نهادهای دولتی دارند، باید یک نهاد دولتی باشد، اما می‌توان از تخصص افراد دانشگاهی و جامعه مدنی با تجربه نیز در این نهاد دولتی استفاده کرد.

۳- نگاه به مسائل کودکان در چارچوب مسائل و مشکلات خانواده‌های آنها؛ یکی دیگر از راهکارهای راهبردی و کاربردی در مورد کودکان کار اعم از کودکان کار اتباع افغانی و کودکان کار از کشورمان، نگاه به کودکان و مسائل و مشکلات آنها در چارچوب مسائل و مشکلات خانواده‌های آنها می‌باشد. این موضوع سبب موشکافی دقیق پدیده کودکان کار و روشن شدن ابعاد و جنبه‌های مختلف آن می‌شود.

سپاسگزاری: از معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه برای حمایت‌های مادی و معنوی در انجام این پژوهش تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

منابع

- احمدی، حبیب و ایمان، محمدتقی (۱۳۸۴). فرهنگ فقر، حاشیه نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه نشین ده پیاله شیراز در سال ۱۳۸۳، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره نوزدهم، شماره ۲: ۹۹-۱۱۸.
- اسدیپور، عهدیه و اعظم آزاده، منصوره. (۱۳۹۹). فراتحلیل مطالعات عوامل اثرگذار بر پیدایش کودکان کار و خیابان، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره هفتم، شماره ۱۶: ۲۱۵-۱۸۷.
- اشتراوس، انسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ترجمه: ابراهیم افشار. تهران: نشرنی.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان زاده، علی و علیپور، سریه (۱۳۹۸). تجربه زیسته کودکان کار شهر تبریز از احساس تنهایی، مطالعه به روش پدیدارشناختی، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره هشتم، شماره ۲: ۲۷۹-۳۰۴.
- پیرخندان، پریسا و عادلین، حمیده. (۱۳۹۹). طراحی الگوی مدیریت خدمات اجتماعی در سازمان‌های مردم‌نهاد حوزه کودکان کار، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، دوره هفتم، شماره ۲۳.
- حسینی، حسن (۱۳۸۴). وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران، رفاه اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۱۹: ۱۷۴-۱۵۵.
- دنیای اقتصاد، (۱۴۰۰). افزایش شمار کودکان کار در ایران، <https://www.donya-e-ektasad.com/fa/tiny/news-3793829>
- سعدآبادی، علی اصغر و فهری، فاطمه. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی پدیده کودکان کار شهر تهران با رویکرد فازی، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره دهم، شماره ۳۷: ۱۵۸-۱۲۹.
- سلیمانی، مهدیه و حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۲). ارائه مدل مدیریتی مطلوب به منظور ساماندهی کودکان کار و خیابان (مطالعه موردی: شهر تهران). مدیریت فرهنگی، دوره هفتم، شماره ۲۲: ۶۹-۵۳.
- شکوری، علی (۱۳۹۳). بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توان‌مندسازی کودکان کار خیابانی، مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره سوم، شماره ۳: ۳۳-۶۰.
- صبوری پور، مهدی و علوی، فاطمه (۱۳۹۴). سن مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ششم، شماره ۱: ۱۹۴-۱۷۱.
- فولادیان، مجید و وزیر، سیدحسین. (۱۳۹۵). روایت پژوهی کودک کار شدن در شهر مشهد. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره پنجم، شماره ۳: ۴۸۵-۵۱۰.

- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: پایان هزاره*، جلد سوم، ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- کرسول، جی. دبلیو (۱۳۹۱). *طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی*. تهران: جهاد دانشگاهی (دانشگاه علامه طباطبائی).
- لوئیس، اسکار (۱۳۵۳). *فرهنگ فقر، مترجم: سیدمهدی ثریا، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی*، دوره قدیم، شماره ۴: ۱۴۰-۱۲۴.
- نیازی، محسن (۱۳۸۷). *کودکان خیابانی، تهران: نا من الحجاج*.
- Bhat, A. (2013). Forced labor of Children in Uzbekistan's Cotton industry. *International Journal on World peace*. 3. 4, pp. 61- 85
- Bukoye, R. O. (2015). Case study: Prevalence and consequences of streets begging among adults and children in Nigeria, Suleja Metropolis. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 171, 323-333.
- Jaber, S. M. Ibbini, J. H. Hijjawi, N. S. Amdar, N. M. Huwail, M. J. & Al-Aboud, K. (2013). Exploring recent spatial patterns of cutaneous leishmaniasis and their associations with climate in some countries of the Middle East using geographical information systems. *Geospatial health*, 8(1), 143-158.
- Jijon, I. (2020). The priceless child talks back: How working children respond to global norms against child labor. *Childhood*, 27(1), 63-77.
- Mukhtar, S; Rather, Sh. (2014). Hazardous Child labor in India: issues and Concerns. *International Journal of Trade & Global Business perspective*. 3: 2, pp. 1042- 1049.
- UNICEF (2022): <https://www.unicef.org/press-releases/child-labour-rises-160-million-first-increase-two-decades>